

در گفت‌وگو با «ندا کردونی»، مشاور مسئولیت اجتماعی شرکتی اتاق بازرگانی تهران مطرح شد

حقوق جامعه محلی مقابل شعله‌های نفت

روزنامه سام

۱۴۰۵ | دوشنبه ۲۱ اردیبهشت | شماره پیاپی ۳۴۰۱ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payama.ir

در میزگرد تاب‌آوری محیط‌زیستی مؤسسه «رحمان» مطرح شد

تاب‌آوری شعاری

یک کنشگر محیط‌زیست: در تمام برهه‌های بحرانی که در کشورمان داشتیم، دیدیم عنصری که همیشه کمک‌کننده و حامی بوده، همین مردم‌اند



شهرک‌سازی در عرصه شهر قدیم جیرفت

طرح: محمدرضا ملازاده | پیام ما

دیپوی اجباری

خرماهای شیرین

دروازه‌های صادرات بسته شده و نخل‌داران درمانده‌تر از همیشه‌اند

۶

تنها و درخودمانده

«پیام ما» از وضعیت کودکان اوتیسم و چالش‌های آن‌ها گزارش می‌دهد

۲

کاهش محدودیت‌های شکار در آمریکا

۱

یادداشت

«گچساران» و ثروتی که هر شب می‌سوزد

اپدرام رفیعی | پژوهشگر علوم زمین مدرس دانشگاه

یادداشت

روایت زندگی در جوار دود مشعل‌ها

امجدته امیری مقدم | جامعه‌شناس فرهنگی

دولت ترامپ محدودیت‌های شکار در پارک‌ها و پناهگاه‌های حیات وحش را کاهش می‌دهد

کاهش موانع اداری شکار در آمریکا

دان ونک، مدیر پیشین پارک ملی «یلوستون»، گفت این مقررات پس از مشورت با ذی‌نفعان تدوین شده و عمدتاً پذیرفته شده‌اند. او افزود که تغییر ناگهانی این ساختار بدون بحث عمومی گسترده منطقی نیست. او گفت: «فرآیند تصمیم‌گیری به نظر نمی‌رسد در این دولت مانعی ایجاد کند. این هرگز موضوع بزرگی نبود. دوست دارم بدانم دقیقاً چه مشکلی قرار است حل شود.»

سخت‌گویی وزارت کشور، این دستور را «رویکردی مناسب برای مدیریت زمین‌های عمومی» توصیف کرد و گفت محدودیت‌هایی که برای ایمنی یا حفاظت لازم باشند، همچنان باقی خواهند ماند.

او افزود شکارچیان «از مهم‌ترین محافظان زمین‌های عمومی» هستند و این دستور تضمین می‌کند دسترسی آن‌ها به طور غیرضروری محدود نشود.

باین‌حال، برخی کارشناسان مانند «الین لژی»، مقام سابق پارک‌های ملی، این تصمیم را غیرعملی دانسته و هشدار داده‌اند که می‌تواند تجربه بازدیدکنندگان را تهدید کند و به منابع طبیعی آسیب بزند.

او گفت: «نمی‌خواهم نوه‌هایم در پارکی باشند که در آن شکارچیان حیوانات را در مقابل مراکز بازدیدکنندگان حمل می‌کنند یا در سرویس‌های بهداشتی در حال تمیزکردن شکار خود هستند.»

او تأکید کرد که شکار باید در زمان و مکان مناسب انجام شود، اما «این به معنای باز بودن همه مکان‌ها برای همه فعالیت‌ها نیست، به‌ویژه وقتی به هزینه ایمنی مردم و تخریب منابع عمومی تمام می‌شود.»

اگاردین

آموزش سگ‌های شکاری، استفاده از خودرو برای جمع‌آوری شکار و شکار در مسیرهای پیاده‌روی را لغو کرده‌اند.

به‌عنوان نمونه، فصل شکار در منطقه ساحلی ملی «کیپ کاد» در «ماساچوست» به بهار و تابستان نیز گسترش می‌یابد. در منطقه تفریحی «لیک مریدیت» در «تگزاس»، شکارچیان اجازه خواهند داشت شکار خود را در سرویس‌های بهداشتی تمیز کنند. همچنین در پارک ملی «ژان لافیت» در «لوئیزیانا»، شکار تسماح مجاز خواهد شد.

این تصمیم در حالی گرفته شده که شکار در آمریکا به دلیل شهرنشینی روبه‌کاهش است. تنها حدود ۴.۲ درصد جمعیت آمریکا در سال ۲۰۲۴ خود را شکارچی معرفی کرده‌اند. این کاهش باعث کاهش درآمد سازمان‌های حیات‌وحش از فروش مجوز شکار و مالیات اسلحه و مهمات شده است.

حامیان شکار و سیاست‌گذاران محافظه‌کار در حال بررسی راه‌هایی برای حفظ این فعالیت هستند؛ از جمله جذب زنان و کودکان، ایجاد فصل‌های شکار برای گونه‌های بیشتر و افزایش دسترسی به زمین‌های عمومی.

در حال حاضر شکار در حدود ۵۱ میلیون هکتار از اراضی پارک‌های ملی در ۲۶ سایت مجاز است، هرچند بخش عمده آن در آلاسکا قرار دارد. ماهیگیری نیز در ۲۱۳ سایت مجاز است. معمولاً این مناطق از قوانین ایالتی پیروی می‌کنند، اما می‌توانند برای حفاظت از برخی مناطق قبلاً محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت استفاده از وسایلی که به درختان آسیب می‌زند،

اپیام ما پس از دستور ماه ژانویه وزارت کشور آمریکا، ۵۵ سایت حفاظت‌شده محدودیت‌های مربوط به شکار را لغو کرده‌اند.

دولت دونالد ترامپ به طور غیرعلنی در حال فشار بر مدیران پارک‌های ملی، پناهگاه‌های حیات‌وحش و مناطق حفاظت‌شده است تا محدودیت‌های شکار را به طور قابل توجهی کاهش دهند؛ اقدامی که نگرانی‌هایی درباره امنیت بازدیدکنندگان و تأثیر آن بر حیات‌وحش ایجاد کرده است.

وزیر وزارت کشور آمریکا، در ماه ژانویه دستوری صادر کرد که به چندین نهاد دولتی دستور می‌داد «موانع مقرراتی یا اداری غیرضروری» برای شکار و ماهیگیری را حذف کنند و مقرراتی را که قصد حفظ آن‌ها را دارند، توجیه کنند.

او نوشت: «گسترش فرصت‌های شکار و ماهیگیری در زمین‌های تحت مدیریت وزارتخانه نه تنها نتایج حفاظتی را تقویت می‌کند، بلکه از اقتصاد روستایی، سلامت عمومی و دسترسی به فضاهای طبیعی آمریکا نیز حمایت می‌کند.»

او افزود: «سیاست وزارتخانه روشن است؛ زمین‌های عمومی و تحت مدیریت فدرال باید برای شکار و ماهیگیری باز باشند، مگر اینکه استثنایی مشخص، مستند و از نظر قانونی قابل دفاع وجود داشته باشد.» این دستور شامل ۵۵ سایت در ۴۸ ایالت اصلی تحت مدیریت سازمان پارک‌های ملی می‌شود. بر اساس بررسی «انجمن حفاظت از پارک‌های ملی»، مدیران برخی مناطق قبلاً محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت استفاده از وسایلی که به درختان آسیب می‌زند،

خبر |

مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران:

ادعای آلودگی نفتی در خارگ واقعیت ندارد

باد شمال غربی (۲۰ گره دریایی) به سمت جنوب شرقی، اگر لکه‌ای وجود داشت باید به سمت ساحل می‌آمد که همین تناقض نشان‌دهنده کذب بودن ادعا و به‌دوراز واقعیت بودن تصاویر منتشر شده در رسانه‌های خارجی است.»

اسدروز یادآور شد: «پاپانه نفتی خارگ به‌عنوان یکی از معتبرترین پاپانه جهان، فعالیت‌های خود را منطبق با استانداردهای رایج جهانی از جمله ISGOTT و OCIMF انجام می‌دهد.»

او گفت: «اعتبار پاپانه نفتی خارگ به‌گونه‌ای است که مشتریان داخلی و خارجی، نفت را بدون نیاز به تأیید شخص ثالث تحویل می‌گیرند که این خود گواهی بر سلامت و استاندارد بودن فرآیندهای عملیاتی در این پاپانه است.»

می‌شود تا از نبود وجود کوچک‌ترین نشئی اطمینان حاصل شود.»

اسدروز در تشریح اقدام‌ها برای بررسی ادعای وجود لکه نفتی در خارگ گفت: «به‌محض انتشار این اخبار گروه‌های متخصص اچ‌اس‌آی، اداره شیمیایی و آزمایشگاه، همه منطقه را پایش کردند؛ اما حتی کوچک‌ترین موردی یافت نشد.»

مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران با استناد به داده‌های هواشناسی افزود: «روایت‌سازان مدعی لکه‌ای هستند که به سمت دریا می‌رود، درحالی‌که باتوجه‌به جهت

سازمان بین‌المللی دریانوردی نیز هیچ گزارشی مبنی بر آلودگی در این منطقه ثبت نکرده است.»

او ادامه داد: «گزارش‌ها و تصاویر ماهواره‌ای به طور معمول دارای مختصات جغرافیایی، ساعت و ابعاد تقریبی هستند در حالی تصاویر مورد ادعا، جزئیات دقیقی ندارند.»

طبق اعلام وزارت نفت، مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران اعلام کرد: «افزون بر نظارت‌های ماهواره‌ای، در فرآیند عملیاتی پاپانه، همه مراحل پهلودهی و بازگیری از سوی همکارانمان از ابتدا تا انتها بررسی

مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران با جعلی خواندن گزارش‌های منتشر شده درباره وجود لکه نفتی در جزیره خارگ اعلام کرد: «هیچ‌گونه نشئی در زیرساخت‌ها، مخازن ذخیره‌سازی، سیستم‌های اندازه‌گیری، اسکله‌ها، خطوط لوله این منطقه و کشتی‌های در حال بازگیری وجود ندارد.»

عباس اسدروز با بیان اینکه همه زیرساخت‌های انرژی خلیج‌فارس از طریق ماهواره رصد و حتی نشئی یک شبکه نفت هم بلافاصله ثبت و گزارش می‌شود، بیان کرد: «مرکز بین‌المللی «میبک» به نمایندگی از

جمعیت حدود ۸ میلیون ساکن در ۳۶ شهر پیرامون دریاچه، همه از عواملی بوده‌اند که ورود آب به دریاچه را به رؤیا تبدیل کرده‌اند.

دریاچه ارومیه یک منبع و سرمایه مشترک است که در سال‌های گذشته هر بهره‌بردار برای نفع کوتاه‌مدت خود، سهم بیشتری برداشت کرده و در نهایت همه بازنده شده‌اند. افزایش بازندگی و آب‌گیری موقت، حس کاذب و فوور ایجاد می‌کند که منجر به بازگشت رفتارهای مخرب گذشته می‌شود؛ دقیقاً همان چرخه‌ای که بحران را بازتولید می‌کند. نه دولت به‌تنهایی پاسخ‌گو بوده و نه جامعه خود را مسئول دانسته است؛ شکافی که احیای واقعی را تا به حال ناممکن کرده است.

روزگاری «زربینه‌رود» و «سیمینه‌رود»، دو شریان اصلی حیات دریاچه ارومیه بودند و ۶۰ تا ۷۰ درصد آب آن را تأمین می‌کردند؛ اما در یک دهه گذشته، سهم اصلی ورودی دریاچه به زآب‌ها و مقداری روان‌آب زمستان و بهار محدود شده و دیگری از جریان مداوم و زندگی بخش این رگ‌های حیاتی دیده نمی‌شود.

آمار کشاورزی نیز هشداردهنده است. بر اساس داده‌های موجود، ۱۴۲ هزار کشاورز در آذربایجان غربی، ۲۴۴ هزار و ۸۹۵ نفر در آذربایجان شرقی و ۱۱۰ هزار کشاورز در استان کردستان، در مجموع نزدیک به ۴۹۷ هزار کشاورز در حوضه آبریز دریاچه ارومیه مشغول فعالیت‌اند. تنها در آذربایجان غربی، سطح زیر کشت آبی در اواخر دهه ۸۰، برخلاف روند کاهش منابع آبی و افت سفره‌های زیرزمینی، از حدود ۳۰۰ هزار هکتار به ۴۹۰ هزار هکتار افزایش یافته است. حال باید پرسید: آیا افزایش بارش‌های امسال تغییری در این اعداد ایجاد کرده، یا برعکس، بازندگی بیشتر به تشدید توسعه افقی اراضی کشاورزی و تبدیل کشت دیم به آبی دامن خواهد زد؟ قصد این یادداشت مرثیه‌سرای نیست. مسئله، دیدن واقعیت با چشمانی باز است. بحران دریاچه ارومیه بحرانی انسان‌ساز است و راه‌حل آن نیز ناگزیر انسانی خواهد بود. تجربه یک دهه گذشته نشان داد که هیچ بودجه و اقدام صرفاً دولتی نتوانست این پهنه آبی را زنده کند. میلیاردها تومان اعتبار داخلی و میلیون‌ها دلار کمک بین‌المللی هزینه شد، اما تابستان گذشته خبر از مرگ کامل دریاچه می‌رسید.

احیای دریاچه ارومیه بدون تغییر رفتار جمعی ممکن نیست. این دریاچه تنها با یک «برنامه اقدام مشترک» و با مشارکت مردمی که در کنار آن زندگی می‌کنند، نفس می‌کشد و آینده‌شان به آن گره خورده است، می‌تواند دوباره جان بگیرد؛ از کشاورز و دامدار گرفته تا کارمند، بازاری و سیاست‌گذار اگر قرار است این پهنه آبی بماند، باید از سطح هیجان‌های مقطعی عبور کنیم و به مسئولیت‌های روزمره‌مان برسیم؛ چرا که دریاچه ارومیه نه با باران‌های خوب، بلکه با تصمیم‌های درست زنده می‌ماند.

در ظاهر پرآب و در واقعیت خشک

آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید!

امیرجعفری آزاد

جامعه‌شناس و پژوهشگر آب و محیط‌زیست

این روزها بسیاری از افزایش ذخیره آب دریاچه ارومیه خوشحال‌اند؛ از عمق گرفتن نیمه جنوبی گرفته تا پیوستن دوباره دو بخش شمالی و جنوبی پس از سال‌ها و محاصره «کالم‌داشی» با آب. کلیپ‌های جولان قایق‌های موتوری روی دریاچه و پیشروی آب تا نزدیکی ساحل در نقاط مختلف، دست‌به‌دست می‌شود. اما پرسش اساسی این است: آیا این خوشحالی واقعی و پایدار است، یا موقتی و گمراه‌کننده؟

دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر عملاً به یک تالاب فصلی تبدیل شده است؛ پهنه‌ای که در فصل بارش آب می‌گیرد و با آغاز گرما به شوره‌زار بدل می‌شود. بارش‌های مناسب و فراترمال در ماه‌های گذشته، به‌ویژه در بخش‌های غربی و جنوبی حوضه آبریز، باعث شده ذخیره آب دریاچه به بیش از ۳ میلیارد مترمکعب برسد؛ رقمی امیدوارکننده، اما نه تعیین‌کننده.

باید مراقب تعبیه‌هایی مانند «افزایش هفت‌برابری ذخیره نسبت به سال‌های گذشته»، «بهترین وضعیت در چهار سال اخیر»، «خروش دریاچه» یا «رسیدن آب به جزایر» بود. این عبارات، اگرچه از سر شوق بیان می‌شوند، اما می‌توانند آدرس‌های اشتباهی باشند که ما را دوباره به تکرار روزهای خشک گذشته برسانند.

دریاچه ارومیه در روزهای پرآب خود، حدود ۲۴ میلیارد مترمکعب حجم داشت؛ ذخیره‌ای که در کمتر از یک ربع قرن از دست رفت و در مقطعی به کمتر از یک میلیارد مترمکعب رسید. حتی اگر ورود حدود ۳ میلیارد مترمکعب روان‌آب و یک میلیارد مترمکعب ذخیره سدهای حوضه آبریز را در نظر بگیریم، مجموع این منابع تنها یک‌هشتم حجم روزهای پرآبی دریاچه است. این مقدار هنوز فاصله معناداری با «تراز اکولوژیک» دارد؛ تراز که بتوان از یک اکوسیستم زنده، پایدار و فعال سخن گفت.

از سوی دیگر با آغاز فصل تابستان، به طور متوسط روزانه ۱۲ تا ۱۵ میلیون مترمکعب تبخیر از سطح دریاچه رخ می‌دهد. به‌این‌ترتیب، این پهنه آبی در طول فصل گرم حدود یک میلیارد مترمکعب از ذخیره خود را از دست می‌دهد؛ یعنی بخش قابل توجهی از آنچ امروز به‌دست‌آمده، در چند ماه آینده از میان خواهد رفت.

اما مسئله اصلی جای دیگری است؛ عواملی که دریاچه را به این وضعیت رسانده‌اند، همچنان با قدرت پابرجا هستند. آب‌بندهای متعدد در مسیر رودخانه‌ها، برداشت گسترده آب‌های سطحی و زیرزمینی برای کشاورزی و باغات، کاشت محصولات آبریز ذخیره‌سازی در سدهای کوچک و بزرگ حوضه آبریز، و مصرف آب سدها و رودخانه‌ها برای تأمین نیاز

در میزگرد تاب‌آوری زیست‌محیطی مؤسسه «رحمان» مطرح شد

تاب‌آوری شعاری

یک کنشگر محیط‌زیست: در تمام برهه‌های بحرانی که در کشورمان داشتیم

دیدیم عنصری که همیشه کمک‌کننده و حامی بوده، همین مردم‌اند



«صحت از تاب‌آوری، توازن و این چیزها، بیشتر شبیه شعار است و نمی‌شود به آن رسید.» این گفته «مهدیه پورشاد» کنشگر اجتماعی و محیط‌زیستی در میزگردی با محوریت تاب‌آوری است، به گفته او دولت در ایران خود را دانی کل می‌داند. «مرگان احمدیه» فعال حوزه محیط‌زیست، کودک و طبیعت هم معتقد است در ایران نه برنامه تاب‌آوری وجود دارد و نه حکمرانی‌ای که بتواند در این باره فکر کند.

میزگرد تاب‌آوری زیست‌محیطی به همت «مؤسسه رحمان» ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۵۵ برگزار شد؛ در این نشست سه پرسش اصلی مطرح بود: تاب‌آوری اکولوژیک چیست؟ مشارکت در حوزه اکولوژی چه مفهومی دارد و چه نسبتی با تاب‌آوری پیدا می‌کند؟ و اگر مشارکتی قرار است شکل بگیرد، میان چه کسانی و چگونه باید برقرار شود تا بتواند به برنامه‌ای اجرایی و عملیاتی تبدیل شود؟

مهدیه پورشاد کنشگر اجتماعی و محیط‌زیستی در ابتدای این نشست، تاب‌آوری را یک «سبک زیستن جمعی» دانست، به گفته او ما نمی‌توانیم جامعه و گروه‌های اجتماعی را از مفهوم تاب‌آوری جدا کنیم؛ بنابراین اگر از تاب‌آوری اکولوژیک صحبت می‌کنیم، فقط نباید توجهمان به طبیعت باشد؛ زیرا طبیعت است که خود رها شود و انسان دخالت نکند، خودش را دوباره می‌سازد. پورشاد افزود: «امیدواری را می‌توان از طبیعت آموخت که تحت هر شرایطی امیدوار است. اگر تالابی را رها کنید با اندک آبی که به آن می‌رسد «نی» شروع به رشد می‌کند و گونه‌هایی که از آن‌جا رفته بودند، برمی‌گردند.»

این کنشگر محیط‌زیست با اشاره به اینکه در مقوله تاب‌آوری نمی‌توانیم انسان را از طبیعت جدا کنیم، اضافه کرد: «طبیعت، حکمرانی و مردم سه حلقه‌ای هستند که در ارتباط با هم می‌توانند یک سیستم اکولوژیک تاب‌آور شکل دهند؛ به این معناکه سیستم بتواند در شرایط بحران دوام بیاورد و خودش را دوباره بسازد.»

به گفته پورشاد تاب‌آوری واژه تازه‌ای برای ایران نیست. ما در

کشوری زندگی می‌کنیم که خشک و نیمه‌خشک است و

همیشه خشکسالی، بحران، جنگ، مهاجرت با آن بوده و

هنوعی توانسته خودش را سرپا نهد. دارد.

مرگان احمدیه فعال حوزه محیط‌زیست، کودک و طبیعت در این نشست تاب‌آوری محیط‌زیست را یک مفهوم بسیار حیاتی دانست که باید به آن توجه جدی شود. او گفت: «تنوع زیستی

اخبار

زایش دوباره «گوزن زرد ایرانی» در بهار دل‌انگیز ایلام

پایگاه احیا و تکثیر گوزن زرد ایرانی «مانشت وقلارنگ» ایلام در این روزهای بهاری با زایش گوساله‌ها، آینده‌ای روشن برای بقای این گونه ارزشمند رقم می‌زند و نشان می‌دهد چگونه کوشندگی بی‌وقفه محیط‌بانان و کارشناسان محیط‌زیست می‌تواند جان دوباره به‌گونه‌ای در خطر انقراض ببخشد. پایگاه احیا و تکثیر گوزن زرد ایرانی مانشت وقلارنگ در دل کوه‌های شمالی ایلام این روزها با زایش گوساله‌ها، فصل تازه‌ای از زندگی و امید در دل طبیعت رقم زده است و اکنون به‌عنوان یکی از مکان‌های موفق کشور در تکثیر مانع از نابودی و انقراض این گونه ارزشمند و در معرض خطر شده است.

با وزیدن نسیم دل‌انگیز بهاری، پایگاه مانشت وقلارنگ در ایلام، چون پرده‌ای زنده از شکوفایی زندگی، جان می‌گیرد و گوزن‌های آبیستر، با آرامش و مراقبت بی‌وقفه کارشناسان محیط‌زیست و محیط‌بانان، یکی پس از دیگری گوساله‌های کوچک و زیبا خود را به جهان هدیه می‌کنند. هر زایش آوایی است از استمرار زندگی و نویدی است برای نسل‌های آینده، در دل طبیعتی که با خیزش هر برگ و جنبش هر شاخه، با شادی زایش همراه می‌شود، از ۲۴ فروردین تاکنون، چهار تولد موفق در این پایگاه ثبت شده که نشانه‌ای از کوشندگی شبانه‌روزی نیروهای محیط‌زیست و فراهم بودن شرایط زیستی ایدئال منطقه است.

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان ایلام با اشاره به این موفقیت گفت که تولد چهار گوساله در این مدت کوتاه نتیجه دقت، مراقبت و



محیط‌زیست

برنامه بدهیم و بگویم کشاورزی ما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؛ از نظر تغذیه جمعیت چه محصولاتی باید تولید شود، چه عناصر استراتژیکی باتوجه‌به ویژگی‌های این سرزمین لازم است تولید شود یا از نظر کم‌آبی، از نظر ارتباط و همسایگان و دنیای بیرون که ارکان سیاسی تعیین‌کننده‌اند و باید وارد شوند، چه باید بکنیم.

به گفته این کنشگر محیط‌زیست در ایران نه برنامه تاب‌آوری وجود دارد و نه حکمرانی‌ای که بتواند در این باره فکر کند. او افزود: «در این شرایط مشارکت شکل نمی‌گیرد.»

❧ عده‌ای فکر کرده‌اند دانی کل هستند

عملیاتی‌کردن برنامه‌های تاب‌آور محور سوم این نشست بود. پورشاد در این بحث به دولت اشاره کرد، دولتی که خودش را دانی کل و مسلط بر تمام اطلاعات و دانش می‌داند. او گفت: «یک بازاریبی و بازیگری جدی باید در سیستم تصمیم‌گیری و در نگاه به طبیعت باید ایجاد شود. من با مردم کار می‌کنم. وقتی با آن‌ها همراه می‌شوید، می‌بینید که حتی جلوتر از شما می‌روند. وقتی می‌گوییم «بباید مشارکت کنیم»، آورده خودشان را می‌آورند. این مردم همیشه دوست دارند تغییر خوب ایجاد کنند و پای آن بایستند. آن چیزی که الان به نظر من به آن توجه نمی‌شود، نگاه بخش دولتی به این باور است که حفظ محیط‌زیست تا چه اندازه می‌تواند بر اقتصاد، سبک زندگی، فرهنگ و حتی آینده کشور اثر بگذارد.»

«محیط‌زیستی‌ها مرفه‌های بی‌دردند» این گفته‌ای است که بسیاری در یک دهه گذشته مطرح می‌کردند. درحالی‌که به گفته پورشاد محیط‌زیستی‌ها دغدغه‌مندان آینده بودند؛ کسانی که به آینده نگاه می‌کردند. او افزود: «این وضعیت از کجا آمده؟ از اینکه عده‌ای فکر کرده‌اند دانی کل هستند و برای همه تصمیم می‌گیرند. وقتی ما مردم و مردم‌محلی را در سیاست‌گذاری به حاشیه می‌بریم و به آن‌ها به‌عنوان ابزار نگاه می‌کنیم، آنجاست که متوجه می‌شوید اصلاً صحت از تاب‌آوری، توازن و این چیزها، بیشتر شبیه شعار است و نمی‌شود به آن رسید.»

به گفته مردم برنج‌کار بودند، نه گندم‌کار. اکنون به دلیل جاده‌کشی، تقسیم‌بندی تالاب، سدسازی و سیاست‌های دیگر، حقیابه به زمین‌ها نمی‌رسد و مردم مجبور شده‌اند کشت دیم با کشت گندم انجام دهند. درحالی‌که هیچ آشنایی با بازار گندم ندارند و ممنوعیت کشت برنج نیز معیشت آنها را مختل کرده است.»

به گفته این فعال محیط‌زیست در ۳۰کیلومتری منطقه‌ای که گفته‌اند «برنج نکارید»، برنج کاشته می‌شود چون می‌گویند آب کافی دارد؛ یعنی در مدیریت منابع آب یک حوضه آبخیز که پایان آن تالاب هورالعظیم است، نتوانسته‌ایم بین مردم و برنامه‌ریزان توافق ایجاد کنیم. او افزود: بر اساس مطالعه‌ای که با حضور کارشنازان محلی از سرشاخه‌های کرخه به سمت دشت آزادگان انجام دادم ده‌ها پمپ غیرمجاز در مسیر سرشاخه‌های «کرخه‌کور» یا «کرخه‌نور» وجود داشت.

حوضه‌های پرورش ماهی بدون مجوز، کانال‌های انحرافی محلی، و سد‌های کوچک سستی که آب را منحرف می‌کردند تا

وارد چرخه طبیعی پایین‌دست نشود. وقتی با کشاورزان،

یکی‌یکی این موانع را علامت می‌زدیم، دیدیم اگر هم حقیابه

برای تالاب رها شود، متأسفانه در مسیر توسط بخش‌های

مختلف مردم برداشت می‌شود.

او ادامه داد: اگر به گذشته تالاب نگاه کنید، می‌بینید که وقتی

این تنش‌ها وجود نداشت، مردم تالاب‌نشین با دانش بومی و

رابطه هم‌زیستانه با تالاب، هم معیشت پایدار داشتند و هم

اکوسیستم تالاب تاب‌آور بود. اما مداخله‌های انسانی و

توسعه نامتوازن، می‌تواند یک تالاب را به مرز نابودی بربرد.

احمدیه معتقد است که در ایران برای چندین دهه

برنامه‌ریزی‌ها و در واقع اقداماتی را انجام داده‌ایم که

به‌مروززمان همه تاب‌آوری‌های این سرزمین را به چالش

کشیده است؛ بنابراین نمی‌توانیم پایبند تعریف کلاسیک

بمانیم و باید ویژگی‌های همین سرزمین را هم در نظر بگیریم.

او افزود: «ما حتی یک الگوی درست کشت نداریم؛ یعنی به

کشاورزان نمی‌گوییم چه باید بکنند. گاهی می‌گویند «هندوانه

آب‌پر است نباید کاشته شود»، بعد جای دیگر می‌گویند

«فلاں فقط باید گندم کاشت»، جایی دیگر می‌گویند «نه،

نباید گندم کاشت». یعنی حتی نمی‌نشینیم با هم یک طرح و

یادداشت

پزندگان؛ پیام‌آوران صلح و زندگی

شینا انصاری

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست



معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست یادداشتی با عنوان «پزندگان؛ پیام‌آوران صلح و زندگی» منتشر کرد.

متن پیام «شینا انصاری»، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست به شرح زیر است:

«بیستم اردیبهشت «روز جهانی پزندگان مهاجر»، فرصتی مغتنم برای تأمل در شگفتی‌های خلقت و یادآوری مسئولیت خطیر ما در پاسداری از میراث طبیعی مشترک بشری است. این پزندگان شگفت‌انگیز، با پیمودن هزاران کیلومتر، نه‌تنها مرزهای سیاسی و جغرافیایی را بی‌معنا می‌سازند، بلکه همچون شاخص‌هایی دقیق، سلامت اکوسیستم‌های زمین را به ما یادآوری می‌کنند.

گرامیداشت این مناسبت دعوتی جهانی است برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ما با طبیعت در قلب سکونتگاه‌های انسانی. شهرهای ما می‌توانند ایستگاه امن باشند یا دامگاه مرگ؛ برخورد با شیشه‌های بازتابنده، نورپردازی‌های شدید شبانه، کاهش فضای سبز بومی، و آلودگی هوا و آب، از عوامل شناخته‌شده کاهش بقا و موفقیت تولیدمثل پزندگان در محیط‌های انسان‌ساخت است.

در این راستا بازیگری در طراحی سکونتگاه‌های انسانی و تبدیل شهرهایمان به پناهگاه‌هایی امن که در آن توسعه شهری نه در تقابل با طبیعت، بلکه در امتداد آن باشد ضروری است. ایران در قلب مسیرهای مهاجرتی مهم پزندگان جهان قرار دارد؛ از تالاب‌ها و سواحل تا دشت‌ها و ارتفاعات، همین جایگاه، مسئولیت ما را دوچندان می‌کند.

امسال، در حالی به استقبال این روز جهانی می‌رویم که آسمان منطقه ما را جنگ‌افروزی و اقدامات تجاوززانه رژیم‌های آمریکایی – صهیونیستی، نارآزم کرده و نه‌تنها جان انسان‌های بی‌گناه را هدف قرار داده، بلکه مشکلات محیط زیستی تمام عیار

اخبار

کشف چهارمین لاشه

فوک خزری در «میان‌کاله»

کشف لاشه چهار قلاده فوک خزری در سواحل استان مازندران بار دیگر وضعیت شکننده این گونه منحصربه‌فرد دریای خزر را برجسته کرده است. «روح‌الله اسماعیلی» معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط‌زیست مازندران اظهار کرد: «شمار لاشه قلاده فوک خزری در سواحل استان مازندران از ابتدای امسال به چهار قلاده رسید.»

به دنبال گزارش کشف لاشه فوک خزری در سواحل استان مازندران، مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست و همیاران طبیعت موفق به شناسایی چهار قلاده از این پستانداران در سواحل میان‌کاله، نور و نوشهر شدند.

او یادآور شد: «باتوجه‌به پیشرفت فساد لاشه‌ها، کالبدگشایی و نمونه‌برداری علمی امکان‌پذیر نبود و عملیات دفن بهداشتی آنها با رعایت کامل ضوابط زیست‌محیطی انجام شد. این اقدام در راستای پایش‌های منسجم ساحلی و آمادگی برای واکنش سریع صورت‌گرفته است. پیش‌ازاین نیز گزارش‌هایی مبنی بر کشف حدود ۱۵۰ لاشه فوک خزری در سواحل قزاقستان منتشر شده بود که منجر به برگزاری کارگاه‌های آموزشی تخصصی در مازندران شد.»

معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط‌زیست مازندران تأکید بر اولویت حفظ بقای فوک خزری تنها پستاندار دریای خزر و گونه‌ای در خطر انقراض از شهروندان و صیادان درخواست کرد تا در صورت مشاهده موارد مشابه مراتب را از طریق سامانه ۱۵۴۰ سازمان حفاظت محیط‌زیست گزارش دهند. پایش سلامت این گونه ارزشمند همچنان در دستورکار قرار دارد. فوک خزری تنها پستاندار دریای خزر و گونه‌ای در فهرست قرمز اتحادیه جهانی المملی حفاظت از طبیعت (IUCN) به‌عنوان گونه‌ای در خطر انقراض نیازمند توجه ویژه است. پایش سلامت و حفظ بقای این گونه از اولویت‌های اصلی برنامه‌های حفاظتی در حوضه دریای خزر به شمار می‌رود. **ا فارس**

مهاجرت بزرگ‌ترین دوزیست

ایران از جنگل‌های هیرکانی

رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان آستارا از تلاش محیط‌بانان برای حفاظت از گونه دوزیست در خطر انقراض خبر داد و گفت: «گونه دوزیست و در خطر انقراض «وزغ تالشی» که جز گونه‌هایی در رده سرخ و آسیب‌پذیر محیط‌زیست است این روزها در پناهگاه حیات‌وحش لوندویل و تالاب استیل مشاهده شده، این گونه بزرگ‌ترین دوزیست ایران به حساب می‌آید.»

«محمدرضا سلامی‌ریک» رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان آستارا در جمع خبرنگاران می‌شاهده بزرگ‌ترین دوزیست ایران در خطر انقراض در پناهگاه حیات‌وحش لوندویل خبر داد و اظهار کرد: «کارشناسان و محیط‌بانان شهرستان آستارا در پایش از پناهگاه حیات‌وحش لوندویل و تالاب استیل، گونه دوزیست و در خطر انقراض «وزغ تالشی» که جز گونه‌هایی در رده سرخ و آسیب‌پذیر محیط‌زیست است، را شناسایی کردند.»

او با بیان اینکه حضور این‌گونه در حاشیه تالاب‌ها دلالت بر مهاجرت این‌گونه به آبیگرها و تالاب‌های پناهگاه حیات‌وحش لوندویل جهت تولیدمثل دارد، افزود: «وزغ تالشی جزء گونه‌هایی است که پراکنش آن منحصر به جنگل‌های هیرکانی است و در اراضی جنگلی و جلگه‌ای تالش و آستارا توسط کارشناسان اداره محیط‌زیست شهرستان، ثبت و شناسایی شده است.»

رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان آستارا با اشاره به اینکه بیش از ۹۸ درصد جمعیت این‌گونه از وزغ‌ها در جنگل‌های هیرکانی شمال و دو درصد در حوزه کشور آذربایجان است، گفت: «این‌گونه بزرگ‌ترین دوزیست ایران به‌حساب می‌آید که در اواخر فصل زمستان برای تخم‌ریزی به مناطق مرطوب و داخل برکه‌ها و تالاب‌ها مهاجرت می‌کند و نوزادان آن در آبیگرها به دنیا می‌آیند و بعد از پایان این مراحل اواخر فروردین‌ماه مجدداً به داخل مناطق جنگلی برمی‌گردد.»

سلامی‌ریک رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان آستارا با اشاره به اینکه در سال جاری تعداد قابل‌توجهی ازاین‌گونه در داخل جنگل و آبیگهای پناهگاه لوندویل مشاهده شد، تصریح کرد: «محیط‌بانان این اداره با حضور مستمر در مناطق، اقدامات لازم را برای حفاظت ازاین‌گونه ارزشمند حیات‌وحش را به کار می‌گیرند.»

رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان آستارا با بیان اینکه وزغ تالشی یکی از دوزیست‌های بزرگ‌جثه بوده که نقش زیست‌بومی و اکوسیستمی این‌گونه به دلیل تنوع غذایی از انواع حشرات و بندپایان در بحث کنترل آفات و حشرات بسیار حیاتی و باارزش است، یادآور شد: «تغییر کاربری، تخریب زیستگاه‌ها و تصادف در هنگام تردد به آبیگرها و تالاب‌ها از عمده تهدیدهای این‌گونه باارزش است که در زمان تولیدمثل به دلیل وابستگی این‌گونه به آبیگرها، ضمن آگاهی‌بخشی به دهیاران و باغداران حاشیه پناهگاه و آبیگرها از جمله روستاهای ویرمونی، بیجاربین، استیل، دربند و عباس‌آباد شرایط لازم برای احساس امنیت و حفاظت از این دوزیست فراهم می‌شود.» **ا ایستا**

در گفت‌وگو با «نداکردونی»، مشاور مسئولیت اجتماعی شرکتی اتاق بازرگانی تهران مطرح شد

حقوق جامعه محلی مقابل شعله‌های نفت اولویت کدام است؟



| عصارپازان

فلرسوزی، پدیده‌ای قدیمی و ریشه‌دار در صنعت نفت و گاز، امروز بیش از هر زمان دیگری به یک بحران چندوجهی تبدیل شده است؛ از اثرات زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی گرفته تا پیامدهای اجتماعی و اقتصادی. با وجود آگاهی روبه‌رشد جامعه محلی و تلاش‌های محدود شرکت‌ها، این شعله‌ها همچنان ادامه دارند و سؤال اصلی باقی است: چرا صنعت نفت و گاز ما، با تمام امکانات و قوانین موجود، هنوز نتوانسته راه‌حلی پایدار برای این مشکل پیدا کند؟ «نداکردونی» مشاور مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با «پیام ما» به ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و تکنولوژیک فلرسوزی و راهکارهای ضروری برای حفاظت از جامعه و محیط‌زیست می‌پردازد.



| ارجانه حیدری |

| روزنامه‌نگار |

چرا فلرسوزی هنوز در صنعت نفت و گاز ما ادامه دارد؟

به نظر من یکی از اصلی‌ترین دلایل، مسئله تکنولوژی و هزینه‌های بالای به‌روزرسانی تجهیزات است. بسیاری از شرکت‌های نفت و گاز ما هنوز نتوانسته‌اند از گازهای

| یادداشت |

زیر سایه سرخ فلرسوزی روایت زندگی در جوار دود مشعل‌ها

وقتی از مناطق نفت‌خیز جنوب کشور گذر می‌کنی، حضور مشعل‌های متعدد فلرسوزی، یک امر کاملاً متداول و طبیعی است که جزء جدانشدنی زندگی مردمان بومی محسوب می‌شود. این در حالی است که برای کسانی که زیر سایه این شعله‌ها زندگی می‌کنند، این آتش دائمی نه فقط یک چشم‌انداز جالب، بلکه یک چالش عمیق در زیست روزمره محسوب می‌شود. این مشعل‌های همیشه روشن که برای سوزاندن گازهای اضافی استخراج شده همراه نفت تعبیه شده‌اند با نفوذ در لابه‌های زندگی مردم بومی، به‌مثابه نشانگان نابرابری عمل می‌کنند که نباید آنها را صرفاً یک چالش صنعتی یا معضل محیط‌زیستی تقلیل داد؛ بلکه باید آن را به منزله شکلی از خشونت فضایی و تبعیض اجباری زیست‌بوم به بهانه توسعه خوانش کرد.



| محدثه امیری‌مقدم |

| جامعه‌شناس فرهنگی |

زندگی بومیان، محصور در میان دود و صدا

زندگی مردمانی که در مناطق نفت‌خیز زندگی می‌کنند در وخیم‌ترین حالت زیست‌محیطی قرار دارد؛ زیرا از یک سو، گازهای حاصل از فلرسوزی، به‌ویژه ترکیبات گوگردی و نیتروژن، با رطوبت هوا ترکیب شده و ریزگردهای شیمیایی ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر، هم‌افزایی این آلودگی با خشکی تالاب‌ها و تولید ریزگردهای طبیعی، وضعیت نامناسب هوا را تشدید می‌کند و کیفیت تنفس را تا مرز خشکی کاهش می‌دهد.



| آفاق

مسئولیت اجتماعی

شرکت‌ها ایجاد می‌کنند.

اولین و اصلی‌ترین تعهد باید توقف فلرسوزی باشد. اگر به هر دلیلی متوقف کردن آن ممکن نباشد، اقدامات حداقلی باید شامل انتقال داوطلبانه جامعه محلی، انجام آزمایش‌های دوره‌ای سلامت، آموزش‌های بهداشتی و کنترل مواد غذایی باشد. البته این اقدامات ثانویه هستند؛ ولی توقف فلرسوزی باید هدف اصلی باشد.

نقش جامعه محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد چیست؟

سازمان‌های محلی و انجمن‌ها می‌توانند اطلاعات و مستندات جمع‌آوری کنند، با افراد جامعه محلی ارتباط برقرار کنند و سلامت آن‌ها را رصد نمایند. به‌علاوه، موجودات زنده دیگر در محیط مانند پرندگان و حیوانات نیز باید در این تعریف جامع از جامعه محلی لحاظ شوند. یکی از مشکلات اصلی، تعارض منافع وزارت نفت است؛ چرا که هم مجری است و هم ناظر برای رفع این مشکل. فعالان مدنی و مشاوران پایداری می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند و تمرکز خود را بر سلامت جوامع محلی بگذارند، نه صرفاً پروژه‌های تبلیغاتی مانند مدرسه‌سازی.

چگونه می‌توان بین توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست تعادل ایجاد کرد؟

توسعه اقتصادی از میادین نفت و گاز بسیار مهم است، اما تا زمانی که سلامت جامعه محلی و حفاظت از محیط‌زیست تأمین نشود، سایر حقوق و توسعه‌ها امکان‌پذیر نخواهند بود. سال‌هاست که سهم درآمدهای نفتی به مناطق نفتی تخصیص یافته، اما عمدتاً در حوزه‌های آموزشی و اجتماعی صرف شده و توجه کافی به محیط‌زیست و سلامت نشده است. اولویت باید بر سلامت و محیط‌زیست باشد، حتی می‌توان گفت که این اولویت باید بالاتر از اشتغال باشد. جامعه محلی باید آموزش ببیند و ابزارهایی در اختیار داشته باشد که بتواند بر سلامت و محیط زندگی خود نظارت کند. بدون این بستر، توسعه اقتصادی کامل نخواهد بود.

آیا ابعاد فرهنگی فلرسوزی هم اهمیت دارد؟

بله، این شعله‌ها در حافظه جمعی مردم مناطق نفتی نقش فرهنگی و اجتماعی داشته‌اند. به عبارتی آتش فلرها در گذشته بخشی از هویت محلی بوده و فضای اطراف آن‌ها را شکل می‌داده است. اما امروزه اثرات منفی آن به‌مراتب بیشتراست و اولویت باید به کنترل و کاهش این آثار منفی داده شود.

فلرسوزی یک معضل صنعتی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که تأثیر مستقیم بر سلامت، محیط‌زیست و جامعه محلی دارد. توقف آن باید اولویت اصلی باشد و اقدامات ثانویه نظیر آموزش، آزمایش‌های سلامت و حفاظت از محصولات غذایی در صورت عدم امکان توقف کامل، باید موردتوجه قرار گیرد. جامعه محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مشاوران پایداری نیز نقش مؤثری در پیگیری و نظارت به عهده دارند و توسعه اقتصادی بدون رعایت این ابعاد نمی‌تواند پایدار باشد.

محیط‌زیست عجین می‌شوند.

فرسایش حس تعلق در مناطق تحت تأثیر

روزگاری نه‌چندان دور پیوند مردم جنوب کشور با محل زندگی‌شان پیوندی ارگانیک بود؛ زمین نه فقط بستر زندگی که منبع هویت، تداوم نسل‌ها و تولید روایت‌های جمعی بود.

مردم با ریتم طبیعت و فصل‌ها زندگی خود را تنظیم می‌کردند و میان زندگی روزمره و فضای فیزیکی ارتباطی دوسویه و فرهنگی برقرار بود. اما این پیوند زیستی اکنون به‌شدت آسیب‌دیده و به رابطه‌ای تهی از معنا تبدیل شده است. این تغییر بصری، یک خشونت نمادین آرام اما مداوم است که حافظه جمعی مردم را بازنویسی می‌کند و احساس تهی‌شدگی مکان از معنا و هویت مشترک را به‌مثابه یک عنصر همیشگی در زیست‌جهان آنها تثبیت می‌نماید.

این گسست از پیوند ارگانیک با سرزمین، پیامدهایی فراتر از تغییر منظر دارد. جامعه محلی دچار نوعی «آنومی فضایی» می‌شود؛ وضعیتی که در آن نه می‌توان با محیط جدید انس گرفت و نه می‌توان خاطره محیط پیشین را زنده نگه داشت. کودکان در فضایی بزرگ می‌شوند که تجربه زیسته آنها با روایت‌های شفاهی بزرگ‌ترها درباره سرزمین مادری در تضاد است و این شکاف میان نسل‌ها، تداوم هویت فرهنگی جامعه را به خطر می‌اندازد.

سقوط ارزش زمین ورانده‌شدن خاموش

یکی از مهم‌ترین پیامدهای فلرسوزی، کاهش شدید ارزش اقتصادی املاک است. خانه‌ای که در نزدیکی مشعل‌ها قرار دارد، عملاً از چرخه بازار خارج می‌شود. زمین کشاورزی‌ای که خاک و آب آن مشکوک به آلودگی است، دیگر سرمایه محسوب نمی‌شود. این کاهش ارزش ملک، به طور مستقیم بر تصمیم مردم در خصوص ماندن در آب‌وخاک اجدادی‌شان اثر می‌گذارد و در نهایت منجر به‌نوعی تخلیه اکولوژیک می‌شود؛ بدین معنا که مردم بومی به دلیل غیرقابل‌سکونت‌شدن محیط، مجبور به فروش املاک خود به قیمت‌های ناچیز و مهاجرت می‌شوند و نتیجه آن، تغییر ترکیب جمعیتی و تضعیف جامعه محلی است.

ناگفته نماند که در این مهاجرت اجباری نیز عنصر نابرابری به‌شدت پررنگ است؛ زیرا مردمان بومی که توان مالی مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و باکیفیت‌تر را ندارند، در این مناطق گیر می‌افتند. اما آن‌هایی که سرمایه‌ای دارند، آرام‌آرام کوچ می‌کنند و به‌روزرزمان کارگرهای فصلی، کارکنان اسکله‌ها و ساکنین غیربومی جای مردم محلی را می‌گیرند و بافت فرهنگی منطقه به‌کلی تغییر می‌کند.

بی‌ارزش شمرده‌شدن جان بومیان و شکست عدالت اکولوژیک

زندگی در مجاورت مشعل‌های فلرسوزی با افزایش بیماری‌های تنفسی، آسم، سردردهای مزمن، مشکلات پوستی و اختلالات اضطرابی همراه است. بدن در اینجا به یک میدان نابرابر تبدیل می‌شود؛ بدنی که ناخواسته هزینه توسعه را می‌پردازد. مردم محلی نه تصمیم‌گیرنده‌اند و نه بهره‌مند اصلی، اما بدنشان محل انباشت پیامدهاست. در ایران، این موضوع وقتی با فقدان گزارش‌دهی شفاف درباره حجم گازهای سوزانده شده ترکیب می‌شود، ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد؛ چرا که ناتوانی در اندازه‌گیری دقیق حجم گازهای رهاسازی شده، به معنای نادیده‌گرفتن دقیق میزان آسیب وارد شده به سلامت

۵

روزنامه پایما

| یادداشت |

«گچساران» و ثروتی که هر شب می‌سوزد



| ایدرام رفیعی |

| پژوهشگر علوم زمین مدرس دانشگاه |

گچساران شهری است که از دل زمین زاده شده؛ اما روحش از مردمش جان می‌گیرد. شهری که نفت در رگ‌های خاکش جریان دارد و مهربانی در رفتار مردمانش. اینجا زمین و انسان، سال‌هاست سرزوشتی مشترک دارند؛ زمینی که ثروت می‌بخشد و مردمی که با صبوری، بار توسعه را بر دوش می‌کشند. توسعه‌ای که گاه شتاب‌زده پیش می‌رود و نشانه‌هایش نه فقط در کارخانه‌ها که در آسمان شب شهر هم دیده می‌شود؛ آسمانی که سال‌هاست با نور نازجی فلرها خورفته است. فلرها، این شعله‌های همیشه‌روشن، شاید در نگاه‌اول تنها نماد فعالیت صنعتی باشند؛ اما در واقع، یکی از پرمعناترین نشانه‌های نسبت ما با زمین و منابع آن‌اند. فلرسوزی یعنی سوزاندن گازهایی که می‌توانستند بازایافت شوند، ارزش اقتصادی بیافرینند و اشتغال پایدار ایجاد کنند؛ اما به‌جای آن، به دود، گرما و آلودگی بدل می‌شوند. در گچساران، فلرها فقط مشعل‌های صنعتی نیستند؛ بخشی از چشم‌انداز زندگی مردم‌اند. حضوری دائمی که شب را به روزی کم‌فروغ و هوا را به حامل آلاینده‌ها تبدیل کرده است.

از منظر محیط‌زیست، فلرسوزی یکی از منابع اصلی آلودگی هوا در مناطق نفت‌خیز است. انتشار گازهای گلخانه‌ای، ذرات معلق، اکسیدهای نیتروژن و ترکیبات آلی فرار پیامدی مستقیم از این شعله‌های خاموش‌شدنی است. علم محیط‌زیست هشدار می‌دهد که این ترکیبات می‌توانند خطر بیماری‌های تنفسی، قلبی و حتی برخی سرطان‌ها را افزایش دهند. در گچساران، این هشدار علمی با تجربه زیسته مردم هم‌پوشانی دارد؛ مردمی که از سرفه‌های مزمن، بوی تند هوا و شب‌هایی که پنجره‌ها کمتر باز می‌شوند، سخن می‌گویند.

اما اثر فلرها تنها در هوا متوقف نمی‌شود. در منطقه‌ای که زمین‌شناسی آن بر سازندهای تخریری و نسبتاً نفوذپذیر استوار است، هر آلایندگی دیرپازود راه خود را به خاک و آب باز می‌کند. دوده‌ها و ذرات ناشی از فلرسوزی بر سطح زمین می‌نشینند، وارد خاک می‌شوند و در نهایت می‌توانند به سفره‌های آب زیرزمینی راه یابند. سازند گچساران، با لایه‌های گچ و نمک، بیش از آنکه سد آلودگی باشد، آن را در خود ثبت می‌کند؛ گویی زمین، حافظه‌ای بلندمدت برای تصمیم‌های کوتاه‌مدت ماست.

از منظر اقتصادی نیز فلرسوزی پارادوکسی آشکار است. گازهایی که می‌سوزند، سرمایه‌ای هستند که می‌توانند خوراک صنایع پایین‌دستی، منبع درآمد پایدار و فرصتی برای اشتغال جوانان منطقه باشند. سوزاندن این منابع، نه‌تنها اتلاف ثروت ملی است، بلکه نوعی عدالتی منطقه‌ای نیز محسوب می‌شود؛ جایی که مردم هزینه‌های زیست‌محیطی توسعه را می‌پردازند، اما سهم اندکی از منافع آن می‌برند. گچساران می‌تواند نمونه‌ای از توسعه هوشمند باشد؛ اما فلرهای روشن، یادآور توسعه‌ای هستند که هنوز با بهره‌وری و عدالت فاصله دارد.

بعد اجتماعی این مسئله شاید از همه عمیق‌تر باشد. مردمان گچساران، خونگرم، مهمان‌نواز و صبورند. سال‌هاست با صنعت نفت زندگی کرده‌اند و وجود آن را انکار نمی‌کنند. آنان توسعه را نفی نمی‌کنند؛ بلکه خواهان توسعه‌ای‌اند که احترام متقابل داشته باشد؛ احترام به سلامت انسان، به محیط‌زیست و به آینده فرزندانشان. فلرها، در نگاه بسیاری از مردم، نماد همین فاصله‌اند؛ فاصله میان آنچه می‌شود و آنچه انجام می‌شود.

در علم توسعه پایدار، کاهش فلرسوزی یکی از نخستین و بدیهی‌ترین گام‌هاست. فناوری‌های جمع‌آوری گازهای همراه، بازیافت و تبدیل آن‌ها به انرژی یا خوراک صنعتی، سال‌هاست در جهان آرموده شده‌اند. کاهش فلرینگ نه‌تنها آلودگی هوا را کم می‌کند، بلکه ارزش اقتصادی خلق می‌کند و اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهد. پایش شفاف، گزارش‌دهی عمومی و مشارکت‌دادن جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند شعله‌های بی‌اعتمادی را هم خاموش کند.

این نوشته مرثیه‌ای برای صنعت نفت یا پتروشیمی نیست. گچساران می‌تواند هم صنعتی باشد و هم سالم؛ به‌شرط آنکه آتش توسعه، به‌جای سوزاندن منابع و سلامت، چراغ راه آینده شود. اگر فلرها قرار است روشن بمانند، بهتر است نشانه ناتوانی نباشند؛ بلکه یادآور مسئولیتی باشند که بر دوش صنعت، مدیریت و همه ماست.

گچساران شهری است با مردمی سزوار آسمانی تاریک و پرستاره، نه همیشه روشن از شعله‌های اضافی. آینده این شهر جایی میان علم، بهره‌وری، عدالت محیط‌زیستی و احترام به مردم شکل می‌گیرد؛ همان جا که فلرها کمتر می‌سوزند و زندگی، آرام‌تر جریان می‌یابد.

اخبار | زمان اکران «داستان‌های موازی» اصغر فرهادی در «کن»

فیلم «داستان‌های موازی» ساخته جدید فرهادی در دو نوبت در روز سوم و چهارم هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن به روی پرده می‌رود. برنامه نمایش فیلم‌های هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن اعلام شد و فیلم «داستان‌های موازی» ساخته جدید و فرانسوی‌زبان «اصغر فرهادی» در نخستین نمایش جهانی خود روز ۱۴ می (۲۴ اردیبهشت) از ساعت ۲۰:۳۰ در سالن لومیر کاخ جشنواره به نمایش گذاشته می‌شود. این فیلم روز بعد ۱۵ می (۲۵ اردیبهشت) نیز از ساعت ۲۰:۳۰ به روی پرده می‌رود. همچنین فیلم کوتاه «زمین بازی» به کارگردانی «امیرحسین شجاعی» و تهیه‌کنندگی «سعید روستایی» نیز روز ۱۹ می (۲۹ اردیبهشت) در بخش کلاسیک جشنواره کن به نمایش گذاشته می‌شود. «داستان‌های موازی» با مدت‌زمان ۲ ساعت و ۴ دقیقه هم‌زمان با رونمایی در جشنواره کن در تاریخ ۱۴ می، اکران خود را در سینماهای فرانسه نیز آغاز خواهد کرد. این فیلم یکی از آثار بخش مسابقه اصلی جشنواره کن است و بر اساس قوانین این جشنواره همه آثار بخش مسابقه اصلی باید در سینماهای فرانسه اکران تجاری شوند. این فیلم جدید سینماگر ایرانی با بهره‌گیری از چهره‌های سینمای فرانسه ساخته شده است؛ ایزابل هویو ویزینی افیرا، ونسان گیل، پیر نینی و آدم تسا در کنار کاترین دنوو از بزرگان سینمای فرانسه که حضوری چشمگیر در این فیلم دارد. در خلاصه داستان فیلم «داستان‌های موازی» آمده است: «سیلوی» در جست‌وجوی الهام برای رمان جدیدش، همسایه‌های روبه‌روی خود را زیر نظر می‌گیرد. از آن سو «آدم» جوان برای کمک به زندگی شخصی سیلوی وارد می‌شود. در ظاهر همه چیز روبه‌راه است؛ اما ارتباط سیلوی، آدم و همسایه‌ها طوری پیش می‌رود که جهان داستانی رمان سیلوی از واقعیت جلومی‌افتد... هفتاد و نهمین جشنواره فیلم کن از تاریخ ۱۲ تا ۲۳ مه (۲۲ اردیبهشت تا دوم خرداد) برگزار می‌شود. ایسنا

یادداشت | ۶۰ سال پس از «سازمان جلب سیاحان» و تحولی که در گردشگری ایجاد کرد

ایران؛ دروازه جهان

برنامه جامعی به‌منظور تشویق جهانگردان برای مسافرت به ایران، ساخت هتل‌ها و توقفگاه‌ها در شهرها و مسیر راه‌ها، مشارکت و سرمایه‌گذاری در تأسیسات مرتبط با امور جهانگردی، اهتمام در تأسیس آموزشگاه‌های راهنمایی و پذیرایی از سیاحان، مراقبت در تعیین نرخ متناسب حمل‌ونقل و اماکن عمومی و دستمزد راهنمایان، تخصصی اعتبارات لازم برای تبلیغات اساسی در رادیو و



عکس نوشت | منبع عکس: محمد اسدی - ایسنا

تولیزیون و جراید، تهیه فیلم و کتب و نقشه، استفاده از همکاری مأموران دولت در کشورهای خارجی و ایرانیان مقیم کشورهای سیاحتی و اتخاذ روش صحیح در پذیرایی از مسافران و جهانگردان» بود. پیشینه تشکیلات نوین گردشگری ایران اما به نودویک سال پیش برمی‌گردد که اداره‌ای در «وزارت داخله» به نام «تبلیغات و اداره سیاحان خارجی» تشکیل شد و فعالیتش محدود به چاپ نشریات و کتابچه‌های راهنمای گردشگری ایران بود. هشت سال پس از سقوط پهلوی اول، مدتی «شورای عالی جهانگردی» فعالیت کرد تا آنکه در آستانه دهه چهل، در تیر ۱۳۳۶ «اداره جلب سیاحان» و سه سال بعد «اداره امور جهانگردی» در «وزارت کشور» تشکیل شد تا آنکه «سازمان جلب سیاحان» با تصویب دولت در ۱۷ فروردین ۱۳۴۲ و پس تصویب مجلسین در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ تأسیس و رئیس آن، معاون نخست‌وزیر و عضوی از کابینه شد. این در حالی بود که برخی نمایندگان موفق اطلاق این نام برای این نهاد نوپنیاذ نبودند و بعضی دیگر ایجاد آن را از اساس بی‌هوده می‌دانستند. رؤسای آن «مهدی شیانی» (فروردین ۱۳۴۲ تا مرداد ۱۳۴۳) «قاسم رضایی» (شهریور ۱۳۴۳ تا دی ۱۳۴۹)، و «سیروس فرزانه» (بهمن ۱۳۴۹ تا خرداد ۱۳۵۳) بودند؛ ولی به دنبال تصویب «قانون تأسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی» در مجلس بیست و سوم شورای ملی به تاریخ سوم تیر ۱۳۵۳، این سازمان عملاً منحل و در این ساختار جدید حل شد. اوج فعالیت آن در نیمه دوم دهه چهل و دوران مدیریت رضایی بود که او بر گسترش مراکز اقامتی تأکید داشت؛ چنان‌که در سخنرانی خود در اتاق بازرگانی اصفهان که خرداد ۱۳۴۵ ایراد کرد، بر همین

مهم پای فشرده؛ اگر علاقه‌مند هستیم که سیاحت و جهانگردی در این مملکت توسعه پیدا کند باید مهمان‌خانه و مهمان‌سرا به اندازه کافی ایجاد شود؛ یعنی صنعت مهمانخانه‌داری رونق پیدا کند... مهمان‌خانه تنها یک ساختمان نیست؛ بلکه یک موجود زنده است؛ یک وسیله آرایه تولید و درآمد ارزی مملکت است.» براین اساس نام «شرکت تأسیسات جهانگردی» در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۶ «به‌منظور توسعه تأسیسات جهانگردی که اعتبارات از: میهمان‌خانه، میهمان‌سرا، رستوران، چاپخانه، استراحتگاه، اردوگاه، تأسیسات کنار دریا، مراکز فروش کالاها، سوغاتی، حمام‌های آب‌معدنی و هر نوع محل دیگری که برای استراحت، تغذیه، بیهتونه و تفریح جهانگردان و سیاحان مناسب باشد» بنا گذاشته شد و حتی در «قانون برنامه عمرانی چهارم کشور» مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۴۶، چهارصد میلیون تومان اعتبار برای این تأسیسات همراه با معافیت پنج‌ساله از مالیات لحاظ شد. او نیز سازمان شهرداری‌ها را به کمک خواست و ۲۲ موضوع از جمله نظافت شهر، ایجاد مراکز اطلاعات جهانگردی، تهیه و چاپ نقشه، آشناکردن مردم با فواید جهانگردی، تهیه و نصب علائم راهنمایی به لاتین و فارسی در شهر تشویق مردم به ساختن هتل، تهیه آمار دقیق از جهانگردان و... را به آنان پیشنهاد کرد. البته به همین بسنده کرد و برای نیل به فرهنگ‌سازی و عمومی‌کردن آن، از «هوشنگ کاظمی» که نشانه سازمان را با اقتباس از نقوش سفالینه‌های سیلک کاشان طراحی کرده بود، خواست آتلیه گرافیک را فراهم کند. خروجی‌اش در کنار کسانانی چون ناصر مخفم، «اسدالله بهروزان»، «جمال‌الدین خرومی‌نژاد»

در دوران فرزانه نیز اتفاق بسیار مهمی که افتاد، تصویب «قانون الحاق ایران به سازمان جهانگردی جهانی» در مجلس به تاریخ بیستم دی ۱۳۵۰ بود. کار سازمان جلب سیاحان با نمایندگان‌هایی در شهرهای بزرگ کشور و چند پایتخت مهم جهان که تمام شد، امور محوله‌اش در وزارت اطلاعات و جهانگردی به عهده «شرکت سهامی تأسیسات جهانگردی ایران، شرکت سهامی گشت‌های ایران، شرکت سهامی مرکز خانه‌های ایران و شرکت سهامی سازمان مراکز جهانگردی برای ورزش‌های زمستانی» گذاشته شد که پس از انقلاب جملگی برچیده شدند. نهادی که تعداد جهانگردان خارجی را از ۵۹ هزار و ۸۹۵ نفر در سال ۱۳۳۱ به ۳۷۳ هزار و ۵۱۵ نفر در ۱۳۵۲ رساند و صنعت گردشگری را تحول بخشید و مدرن کرد.

یادداشت | «برادران امیدوار» نمونه عالی همراهی قلم با قدم



مهدی گوهری | روزنامه‌نگار

مرداد ۱۴۰۲ بود که برای دیدار یک مرد بزرگ راهی سعدآباد شدم. مجموعه تاریخی و فرهنگی که میزبان موزه‌های متعددی در دل خود است؛ اما محل دیدار ما در یکی از موزه‌ها بود که رنگ‌وبویی متفاوت داشت. از در زعفرانیه وارد شدم و مسیر را در جاده پرشیب و سرسبزی ادامه دادم. به موزه‌ای از جنس سفر رسیدم. به دفتر مدیر موزه رفتم تا دیداری با فردی که موزه به نام او و به افتخار کار بزرگی که کرده است نام‌گذاری شده است. جناب عیسی امیدوار همچنان دلنشینی برای این دیدار داشتم؛ چون قرار بود در مورد برگزاری یک جلسه سفرنامه‌خوانی با حضور ایشان صحبت کنم. توی ذهنم چندین سناریو از برخورد ایشان تصورسازی می‌کردم. اما با باز شدن در و اولین برخورد تمام ساخته‌های ذهنم به هم خورد. وقتی مدیر موضوع در بدو ورود، من را معرفی کردند آقای امیدوار از جا برخاسته و به ستم آمدند.

این اتفاق را با ایمان کامل می‌دانم که نه از آن من بلکه کاملاً از آن جهان‌دیدگی و فروتنی ایشان بود. با انسانی بزرگ و دوست‌داشتنی با کوهی تجربه و حرف شنیدنی مواجه شده بودم. لحظات ناب را سپری کردم و از تک‌تک ثانیه‌ها انرژی گرفتم و آموختم. ایشان با آغوش باز پیشنهاد برگزاری جلسه را پذیرفتند. طبق روال سی و شش جلسه قبل سفرنامه‌خوانی این بار هم شبه‌ای را برای دوره‌می تعیین کردیم؛ بیست و هشتمین روز از مردادماه سال ۱۴۰۲. محل برگزاری را محوطه جلوی موزه برادران امیدوار در مجموعه سعدآباد انتخاب کردیم. یک ساعت مانده به شروع جلسه، پنجاه صندلی چیده شده توسط علاقه‌مندان به سفر، سفرنامه و دیدار آقای عیسی امیدوار پر شد. این روال تا آخر جلسه هم ادامه پیدا کرد و چهار بار صندلی‌ها شارژ شد؛ اما باز هم عده‌ای سرپا ایستاده و سخنان این بزرگ‌مرد را می‌شنیدند. نکات ارزشمندی از زبان عیسی امیدوار بیان شد. شاید نکته پررنگ آن این بود که گفت: «ما یک‌شبه جهانگرد نشدیم؛ بلکه سال‌ها تحقیق و سفرهایی در ایران داشتیم تا پا در سفری جهانی گذاشتیم.» امروز دیگر این بزرگ‌مرد سفر، در بین ما نیست. مرور خاطرات دیدار و برگزاری جلسه سفرنامه‌خوانی با حضور ایشان بغضی در گلو می‌شود. اما این دو برادر با همراهی قلم و قدم، کاری بزرگ را انجام دادند، سفرشان را در لابه‌لای سفرنامه برادران امیدوار تا ابد زنده و جاوید کردند.

اصلاحیه آگهی مزایده عمومی شهرداری ازنا"

شهرداری ازنا در خصوص مزایده زمین‌های موسوم به ۲۸ هکتاری مجتمع اقتصادی اصلاحیه‌ای به شرح ذیل اعلام می‌دارد.

۱- مهلت دریافت اسناد: از ۱۴۰۵/۰۲/۱۵ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۳ با تغییر نمود
 ۲- مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهادی: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ با تغییر نمود
 ۳- زمان بازگشایی پاکت‌ها: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۴- مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهادی: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ با تغییر نمود
 ۵- مهلت دریافت اسناد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۶- مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهادی: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ با تغییر نمود.
 ۷- مهلت دریافت اسناد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۸- مهلت دریافت اسناد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۹- مهلت دریافت اسناد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۱۰- مهلت بازگشایی پاکت‌ها: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۱۱- مهلت اعتبار پیشنهاد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.
 ۱۲- مهلت اعتبار پیشنهاد: از ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ با تغییر نمود.

"آگهی مناقصه عمومی شهرداری ازنا"

شهرداری ازنا در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی ذیل اقدام نماید لذا از کلیه متقاضیان دعوت بعمل می‌آید حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری پس از انتشار آگهی نوبت دوم که یک هفته پس از انتشار این آگهی که در همین روزنامه به چاپ میرسد به آدرس www.setadiran.ir سامانه ستاد مراجعه و اسناد شرکت در مناقصه مذکور را دریافت نموده و پس از تکمیل در مهلت قانونی در پاکت مهرموم شده (سپرده) را به دبیرخانه شهرداری تحویل نمایند.

۱- تجدید خرید و نصب تجهیزات استخر قیر کارخانه آسفالت شهرداری
 ۲- ساخت سرزند ۲*۶ کارخانه شن و ماسه

شرایط و مدارک لازم:

۱- دادن برگه پیشنهاد قیمت به‌همراه سپرده نقدی یا ضمانتنامه معتبر بانکی بنام شهرداری ازنا که نباید از ۵٪ مبلغ کل برآورد اولیه کمتر باشد. شماره حساب ۰۶۶۷۷۱۳۳۷۰۰۶/۱۰۶۷۷۱۳۳۷۰۰۶ نزد بانک ملی ازنا
 ۲- سپرده برندگان اول و دوم در صورت انصراف به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
 ۳- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد.
 ۴- حداقل تعداد پیشنهادهای دریافت شده جهت بازگشایی خرید و نصب تجهیزات استخر قیر یک پاکت و برای ساخت سرزند ۳ پاکت می‌باشد.
 ۵- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در سامانه ستاد موجود می‌باشد.
 ۶- پرداخت کلیه هزینه‌های قانونی و غیره... بعد از برنده مناقصه می‌باشد
 ۷- مهلت اولین انتشار آگهی: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴
 ۸- مهلت دریافت اسناد: ۱۴۰۵/۰۲/۱۷
 ۹- مهلت بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰
 ۱۰- مهلت بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰
 ۱۱- مهلت اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱
 ۱۲- مهلت اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸
 منوچهر حسنی گرپی - شهردار ازنا

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱
 منوچهر حسنی گرپی - شهردار ازنا